

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

## صورت دوم از صور تلقیح مصنوعی

بحث ما - قبل از ماه محرم - در تلقیح مصنوعی بود که به صورت دوم رسیدیم. صورت دوم این بود که آیا اگر بخواهند نطفه مرد اجنبی را در رحم اجنبیه - که بین این مرد و زن هیچ زوجیت و ارتباط نکاحی وجود ندارد، اجنبی و اجنبیه هستند، حتی برادر و خواهر را هم شامل می شود - قرار دهند جایز است یا نه؟ و این مورد است که امروزه در دنیا هم رایج شده است؛ زنهایی که نیاز به اولاد دارند به یک مراکز می مراجعه می کنند و در آن مراکز نطفه های منجمد شده ای وجود دارد، اینها را در داخل رحم این زن اجنبیه قرار می دهند، ما بحثمان این است که آیا جایز است یا نه؟

## اصل اولی در مسأله

در اینجا بحث اصل اولی را مفصل مطرح کردیم که آیا اصالة البرائة است یا اصالة الاحتياط و عرض کردیم که برای اصالة الاحتياط؛ وجوهی ذکر شده است، اینها را بیان کردیم و گفتیم به حسب اصل اولی، اصل اصالة البرائة است. و حتی این مطلبی را که از برخی از فقها است که در باب فروج و دماء احتياط است را مطرح کردیم و گفتیم که دلیلی بر وجوب احتياط نداریم، اصالة البرائة حکم می کند به اینکه مانعی ندارد، چون عنوان زنا را ندارد و به حسب اصل اولی قرار دادن این نطفه در رحم اجنبیه جایز است.

## بررسی آیات و روایات مقابل اصل

اما عرض کردیم که در مقابل این اصل اولی آیات و روایاتی داریم، ببینیم آیا از این روایات و آیات، حرمت را استفاده می کنیم حرمت را یا استفاده نمی کنیم؟ حدیثی را که قبلاً خواندیم که سند این حدیث را بررسی کردیم اما دلالت این حدیث باقی ماند.

## بحث سندی حدیث

بحث سندی آن را ذکر کردیم علی بن ابراهیم عن ابیه عن عثمان بن عیسی عن علی بن سالم عن ابی عبدالله(ع)... . گفتیم راجع به این علی بن سالم مشکل وجود دارد. و آن مشکل این که وی مردی بین دو نفر است. اما یک راهی را در بحث گذشته برای

توثیق علی بن سالم ذکر کردیم. راه دوم این است که اگر این علی بن سالم، علی بن سالم کوفی باشد، که علی بن سالم کوفی کسی است که اجلائی مثل ابن ابی عمیر و صفوان از او روایت نقل می کنند، و یکی از راههای اعتبار راوی، این است که اجلاء از روات از یک نفر روایتی را نقل کنند. این راهی است بر اینکه ما وی را توثیق کنیم. البته این در صورتی است که ما بدانیم این علی بن سالم کوفی است.

## نظر استاد در سند حدیث

نتیجه در بحث گذشته این شد که به نظر ما این روایت معتبر است و نمی توانیم از نظر سندی در این روایت خدشه وارد کنیم.

## بحث دلالتی روایت

اما مدلول روایت و فقه الحدیث آن، اینکه امام صادق (ع) فرموده است: «ان اشد الناس عذاباً يوم القيامة رجل اقر نطفته في رحم حرم عليه» شدید ترین مردم از نظر عذاب در روز قیامت، مردی است که نطفه خود را در رحمی قرار دهد که آن رحم بر او حرام است. اینجا را خوب دقت بفرمایید، در این روایت می خواهد زائد بر مسئله زنا و حرمت زنا، یک حکم دیگری را هم بیان کند که اگر مردی با زنی زنا کرد این حرام است، زنا مشمول این **اشد الناس عذاباً يوم القيامة** نیست، بلکه اشد الناس عذاباً کسی است که نطفه خود را در رحم کسی قرار دهد که حرام بر او است. آنوقت اینجا یک فرض این است که مردی با زنی زنا کند و در همان حال زنا نطفه خود را در رحم این زن قرار دهد.

فرض دوم این است که ما مسئله زنا و مقاربت را الغاء خصوصیت کنیم و بگوییم این روایت می گوید آنکه ملاک برای حرام است این است که کسی نطفه خود را به هر طریقی بخواهد در رحم دیگری قرار دهد. اگر ما بتوانیم از این روایت یک چنین الغاء خصوصیتی کنیم و بگوییم روایت برای زنا و مقاربت، خصوصیت و موضوعیتی قائل نیست، روایت فقط ملاک حرمت را قرار دادن نطفه در رحم اجنبیه می داند، (در عرف به چیزی نطفه می گویند که ماء مرد با تخمک زن تلقیح پیدا کرده باشد، اما در لغت، وقتی به کتاب مفردات راغب مراجعه کنیم می گوید **نطفة: الماء الصافي**، اب زلال است و بعد دارد **ويعبر بها عن ماء الرجل**، خود ماء رجل را می گویند نطفه، گاهی در بعضی از مقالات و نوشته ها نطفه را به تلقیح این ماء و آن تخمک، معنا کرده اند، نه، این معنای نطفه نیست، در لغت، نطفه به خود آن ماء مردی و منی اطلاق شده است – آیا ما از این روایت می توانیم استفاده کنیم و بگوییم که ملاک برای حرمت مجرد این است که نطفه ای در رحم زن اجنبیه قرار داده شود؟

اگر چنین چیزی را استفاده کردیم، در ما نحن فیه می گوییم تلقیح مصنوعی حرام است چون نطفه در رحم دیگری قرار داده می شود، اما اگر احتمال دادیم که از روایت خصوصیتی برای مقاربت استفاده می کنیم، روایت، استقرار نطفه را در رحم اجنبیه در فرضی می گوید که بین آنها مقاربت باشد، اینجا این نکته روشن است که اگر مرد و زن اجنبیه با هم زنا کردند و مرد، ماء خود را در رحم او قرار داد این بچه عنوان ولد الزنا را پیدا می کند.

در آنجایی که مقاربتی نیست و فقط با ابزار و وسائل نطفه را می گیرند و در رحم غیر قرار می دهند و زنایی وجود ندارد، و اگر هم گفتیم این کار حرامی است، ممکن است بگوییم این ولد عنوان ولد حرام را دارد، اما عنوان ولد الزنا را ندارد چون از راه زنا محقق نشده است. آیا ما از روایت یک ملاک کلی را می فهمیم؟ روایت می گوید «**استقرار النطفة في رحم يحرم عليه**» این مطلقاً حرام است، یعنی چه از راه زنا باشد، چه مساحقه باشد و هر طریق دیگری که باشد. اگر چنین چیزی استفاده کردیم می شود گفت که تلقیح مصنوعی حرام است.

اما اگر گفتیم که اینکه می گوید رجلی که **اقر نطفه**، برای مقاربت و نزدیکی و زنا موضوعیت وجود دارد یا لااقل احتمال خصوصیت دادیم، همین احتمال کافی است، چون وقتی احتمال بدهیم که در این روایت امام می خواهد از نطفه ای که از راه زنا در رحم دیگری قرار می گیرد بگوید **أشد الناس عذاباً يوم القيامة** است، اگر احتمالش را هم دادیم و عرض کردیم که اگر از این راه باشد ولد می شود ولد الزنا، به نظر ما این احتمال سبب می شود که نتوانیم ملاک کلی را استنباط کنیم، و از آن طرف مناسبت حکم و موضوع هم همین اقتضاء را دارد.

اگر امروز زنی که مردی را ندیده، با دستگاه، نطفه مردی را در رحم او قرار دهند، نمی توانیم بگوییم **أشد الناس عذاباً يوم القيامة** است. مردی که خبر ندارد نطفه او را در رحم چه کسی قرار می دهند و زن هم نمی داند که این نطفه برای چه کسی است ممکن است، بگوییم این کار حرامی است و لکن آیا این **أشد الناس عذاباً يوم القيامة** است؟ حتی از روایت هم نمی توانیم استفاده کنیم. این را در کتاب الحدود لمعه خواندید که مردی با زن خود نزدیکی می کند و اگر نعوذ بالله این زن رفت با زن دیگری مساحقه کرد و نطفه مرد در رحم زن دیگر قرار گرفت، نمی توانیم بگوییم این **أشد الناس عذاباً يوم القيامة** هستند، روایت ظهور در این دارد و یا لااقل ما احتمال خصوصیت را می دهیم که برای مسئله مقاربت یک موضوعیتی در اینجا باشد و به صرف اینکه نطفه در رحم دیگری قرار گیرد در اینجا مسئله حرمت و اشدیت حرمت در کار نباشد.

## توجه به سه مطلب در روایت

ما در این روایت سه مطلب داریم یک مطلب این است که برای مقاربت احتمال موضوعیت و خصوصیت می دهیم، منشأ احتمالش هم یک امر عقلایی است که ولدی که از این راه دنیا می آید ولد الزنا می شود. مطلب دوم اینکه مجرد این که نطفه را در رحم یک زن اجنبیه قرار بدهند و آن مرد صاحب نطفه هم دخالت نداشته باشد، این با **أشد الناس عذاباً** تناسبی ندارد، **أشد الناس عذاباً** این است که مردی - نعوذ بالله - با زنی زنا کند و ماء خود را در رحم او قرار دهد.

## نتیجه بحث

مطلب سوم کلمه اقر است، در اینجایی که نطفه را می گیرند بگوییم اگر مرد نطفه خود را با آمپولی تزریق کرد باز هم اقر، یعنی خود مرد به طبیعت خودش اقر. بنابر این با توجه به این سه نکته ما نمی توانیم از این روایت استفاده کنیم که تلقیح مصنوعی حرام است.

## دقت در روایت

آقایان دقت کنید که اگر روایت را ده بار بخوانید باز هم کم است، باید روایت را کلمه به کلمه دقت کنید چون از امام معصوم و با دقت تمام مطرح شده است. مرحوم شیخ حر عاملی صاحب وسائل در ابواب نکاح محرم بابی دارد تحت عنوان «تحریم الانزال في فرج المرأة المحرمة» مراجعه کنید، این روایت را هم ببینید. ما سند روایت را قبول کردیم اما گفتیم دلالت روایت تام نیست.

## اشكال به اطلاق روايت

اگر به بعضي از اين مقالات مراجعه كنيد خيلي دريك سطر يا دو سطر گفتند اين روايت اطلاق دارد، اقر يعني چه خودش اقر چه با دستگاه اقر، اما بايد گفت كه با دستگاه كه ديگر نمي شود گفت اقر.

و صل الله على سيدنا محمد و آله اجمعين.